

شواهدی جدید از عصر مفرغ جدید و عصر آهن در قلعه تپه ابهر

دکتر امیرصادق نقشینه*، بهنام قبری** و بابک اعلائی**

* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی و احد ابهر

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

حوضه آبریز ابهررود در شرق استان زنجان از مناطق کمتر شناخته شده باستان‌شناسی ایران است. قلعه تپه یکی از بزرگ‌ترین مکان‌های باستانی این حوضه بوده و در کناره جنوبی ابهررود قرار دارد. امروزه به علت تخریب گسترده قسمت زیادی از تپه باقی نمانده است. در سال ۱۳۹۰ قلعه تپه مورد کاوش باستان‌شناختی قرار گرفت که طی آن آثار قابل توجهی از دوره‌های مختلف به دست آمد. یکی از مهم‌ترین این آثار سفال‌های عصر مفرغ جدید و عصر آهن است. مدارک سفالی به دست آمده نشانگر حضور مردمان عصر مفرغ جدید و عصر آهن در این تپه است. وجود سفال‌های موسوم به پلی کروم عصر مفرغ در این محل نشانه ارتباط قلعه تپه با مناطق شرقی و دشت قزوین است. همچنین وجود سفال‌های خاکستری عصر آهن I در قلعه تپه می‌تواند نشانگر استمرار در استفاده از این محل از عصر مفرغ تا آهن باشد. وجود چندین ظرف سفالی سالم عصر آهن I و یک ظرف پلی کروم عصر مفرغ جدید نشان می‌دهد که در اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن از تپه برای دفن مردگان استفاده می‌کرده‌اند. در نهایت بر پایه یافته‌های سفالی در قلعه تپه می‌توان به چشم‌اندازی از ارتباطات فرهنگی مردم ساکن حوضه آبریز ابهررود، که همچون دالانی طبیعی دو منطقه فرهنگی شمال غرب و شمال مرکزی را به هم وصل می‌کند، با مناطق همجوار دست یافت. احتمالاً حوضه آبریز ابهررود به عنوان سهل‌ترین راه ارتباطی شمال مرکزی با غرب و شمال غرب، در طول زمان به تناوب تحت نفوذ فرهنگ‌های مناطق شرقی و غربی خود قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قلعه تپه، عصر مفرغ، عصر آهن، سفال خاکستری، سفال پلی کروم، حوضه آبریز ابهررود.

درآمد

دوره‌های مختلف پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی فراهم آورد. خوشبختانه در سال‌های اخیر مطالعات باستان‌شناختی مختلفی در این منطقه به انجام رسیده است که اطلاعات ارزشمندی را بدست داده‌اند. نخستین بررسی‌های گسترده باستان‌شناختی در این حوضه، توسط ابوالفضل عالی در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ در محدوده شهرستان‌های خرم‌دره و ابهر به انجام رسید که به شناسایی و ثبت بسیاری از مکان‌های باستانی منطقه منجر گردید

شهرستان ابهر، واقع در شرق استان زنجان، از مناطقی است که کمتر مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته است. این منطقه در امتداد مهم‌ترین مسیر طبیعی ارتباط دهنده شمال غرب به شمال مرکز کشور قرار دارد و از این رو مطالعات میدانی باستان‌شناختی در آن می‌تواند چشم‌انداز جدیدی را از چگونگی ارتباط دو حوزه فرهنگی شمال غرب و شمال مرکزی ایران در

گرفته از رشته کوه‌های دو طرف مسیر و همچنین چشمه‌های متعدد به آن می‌پیوندند و آن را تغذیه می‌کنند. این رود در میانه دشت میان کوهی باریکی جریان دارد که عرضی کمتر از ۲۰ کیلومتر دارد و توسط دو رشته کوه موازی شکل گرفته است؛ رشته کوه قافلان کوه در شمال و رشته کوه‌های کم‌ارتفاع‌تر جهان داغ در جنوب (تصویر ۱). این دشت میان کوهی از حدود شرق زنجان شروع می‌شود و تا نزدیکی تاکستان ادامه دارد. عرض آن در قسمت‌های مرکزی کمتر ولی در قسمت شرقی و غربی بیشتر می‌شود. ابهررود در بخش شرقی این دشت جریان دارد و در بخش غربی آن نیز زنجان چای، یکی از شاخه‌های فرعی رودخانه قزل اوزن، جاری است.

وضعیت توپوگرافی منطقه به شکلی است که این دشت میان کوهی همچون دالانی طبیعی است که از میان کوهستان‌ها می‌گذرد و مسیری طبیعی را بوجود می‌آورد که شمال غرب کشور را به مرکز آن مرتبط می‌کند. اهمیت این دالان یا مسیر طبیعی بطوری است که امروزه مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شمال غرب به مرکز کشور از آن می‌گذرند، وضعیتی که احتمالاً در گذشته نیز چنین بوده است. از همین رو انجام مطالعات باستان‌شناختی در منطقه می‌تواند نقش چشمگیری در افزایش آگاهی ما از چگونگی بر همکنش فرهنگ‌های دو حوزه شمال غرب و شمال مرکزی ایران در دوره‌های مختلف داشته باشد. در این میان کاوش در قلعه تپه که یکی از بزرگ‌ترین تپه‌های باستانی در قسمت شرقی این مسیر ارتباطی است داده‌هایی را بدست داده که هرچند محدود ولی روشنگر هستند.

قلعه تپه

قلعه تپه یکی از بزرگ‌ترین مکان‌های باستانی در حوضه آبریز ابهررود است که روی برآمدگی کم ارتفاعی در کناره جنوبی این رود واقع است. این مکان با ارتفاعی در حدود ۱۵۴۰ متر از سطح دریا، در مختصات جغرافیایی $36^{\circ} 08' 78''$ شمالی و $73^{\circ} 13' 49''$ شرقی قرار دارد. در حال حاضر به علت تخریب گسترده‌ای که در این محل صورت گرفته، نمی‌توان وسعت اولیه آن را معلوم کرد ولی بر پایه اظهارات مردم محل و همچنین پراکندگی مواد فرهنگی در اطراف تپه می‌توان دریافت که قلعه

(عالی، ۱۳۸۵). پیش از آن در سال ۱۳۷۲ سید علی اصغر میرفتاح مبادرت به گمانه‌زنی در قلعه تپه نمود (میرفتاح، ۱۳۷۲) و پس از آن مهرداد عسکریان در سال ۱۳۸۰ کاوش دیگری را در این تپه باستانی به انجام رساند (عسکریان، ۱۳۸۰). در سال ۱۳۸۸ نیز تپه خالصه، واقع در نزدیکی شهر خرم‌دره، با آثاری از دوره نوسنگی بوسیله حمیدرضا ولی‌پور کاوش گردید (Valipour et al., 2012). همچنین در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ سه فصل کاوش لایه‌نگاری در تپه علی یورد، واقع در غرب شهر صابین قلعه به سرپرستی امیرصادق نقشینه به انجام رسید که بقایایی از دوره اسلامی، دوره اشکانی، عصر آهن و عصر مفرغ قدیم را آشکار ساخت (نقشینه، ۱۳۹۰ الف).

علاوه بر این بررسی‌ها و کاوش‌ها که اطلاعات ارزشمندی درباره دوره‌های مختلف فرهنگی منطقه بدست داده‌اند، در سال ۱۳۹۰ کاوش دیگری در قلعه تپه ابهر با هدف لایه‌نگاری و شناسایی دقیق بقایای دوره‌های مختلف در این مکان باستانی مهم به سرپرستی امیر صادق نقشینه به انجام رسید (نقشینه، ۱۳۹۰ ب). در این کاوش معلوم گردید که قدیم‌ترین بقایای استقرار در این تپه باستانی به عصر مفرغ قدیم و فرهنگ موسوم به یانیق یا کورا ارس تعلق دارد و پس از آن استقرارهایی از دوره اشکانی و اسلامی در این مکان تشکیل شده است. همچنین شواهدی از گورستان عصر آهنی و حضور مردمان این دوره در قلعه تپه بدست آمد، هرچند که هیچ نشانه‌ای از استقرار عصر آهن در این تپه معلوم نگردید. در واقع عمده یافته‌های عصر آهن در قلعه تپه محدود به قطعات سفالی است؛ این یافته‌ها به قدری هستند که مؤید حضور مردمان و فرهنگ این عصر در قلعه تپه باشند. در ادامه به معرفی و بررسی این مدارک می‌پردازیم.

حوضه آبریز ابهررود

رودخانه ابهررود در قسمت شرقی استان زنجان جریان دارد. این رود از نواحی شرق سلطانیه سرچشمه می‌گیرد و در مسیری نسبتاً مستقیم و در جهت شمال غربی به جنوب شرقی جاری است و در نزدیکی شهر تاکستان وارد بخش غربی دشت قزوین می‌شود. در طول مسیر ابهررود، نهرهای کوچک و بزرگ سرچشمه

در اثر خاکبرداری به صورت دیواره‌های عمودی در آمده است، کاوش گردید. علت ایجاد ترانشه در این قسمت تپه، ارتفاع بیشتر و همچنین شواهدی از وجود آثار و بقایای دوره‌های مختلف در برش شرقی تپه بوده است. کاوش در این ترانشه تا خاک بکر ادامه یافت که حاصل آن شناسایی لایه‌های باستانی مربوط به دوره‌های مختلف اسلامی، تاریخی و پیش از تاریخی است. جدیدترین لایه‌ها مربوط به دوران اسلامی و قدیم‌ترین لایه‌ها متعلق به عصر مفرغ قدیم است. البته حفاری‌های غیرمجاز در سال‌های دور، بیشتر لایه‌های باستانی را در قسمت باقی مانده به هم ریخته است. تعداد کمی سفال خاکستری عصر آهن نیز در برخی از لایه‌های به هم ریخته این قسمت بدست آمد، ولی هیچ سازه یا لایه دست نخورده‌ای که تنها حاوی مواد فرهنگی عصر آهن باشد و بتوان آن را با قطعیت به این دوره مربوط دانست، مشخص نشد.

ترانشه‌های آزمایشی T.T. 1, 3, 4, 5

قسمت شرق قلعه تپه در سال‌های دور برای ساخت مدرسه و ورزشگاه تسطیح شده و بنابر اظهارات مردم محلی در حین این عملیات شواهدی از قبور و ظروف سالم باستانی از خاک خارج شده است. مشاهده و مطالعه برخی از این ظروف تعلق آنها را به عصر آهن معلوم کرد. از همین رو تعداد چهار ترانشه آزمایشی در قسمت‌های مختلف شرق تپه کاوش گردید تا به آثار و بقایای احتمالی این قبور و مدارک بیشتر و دقیق‌تر از عصر آهن دست یابیم. این ترانشه‌های آزمایشی با شماره‌های T.T. 1, 3, 4, 5، نام‌گذاری شده‌اند و همگی ابعادی برابر ۱×۱ متر دارند. متأسفانه در هر چهار ترانشه بقایا و لایه‌های باستانی به هم ریخته و آشفته هستند و هیچ لایه دست نخورده‌ای مشاهده نشد. در تمامی این ترانشه‌ها مواد فرهنگی از دوره‌های مختلف، که عمدتاً قطعات سفالی هستند، در کنار هم و بصورت مخلوط بدست آمدند. از همین رو نمی‌توان بافت یا سازه سالم و دست نخورده‌ای را مشخص و به دوره‌ای مربوط کرد. با این وجود قطعه سفال‌های متعلق به عصر آهن در این ترانشه‌های آزمایشی بیش از ترانشه‌های دیگر است که این احتمال را بوجود می‌آورد که فعالیت مردمان این دوره بیشتر در این قسمت از تپه، یعنی

تپه از وسعت قابل توجهی برخوردار بوده است. مهم‌ترین عامل در تخریب این تپه باستانی، عامل انسانی است. در واقع قلعه تپه در حاشیه شرقی شهر ابهر قرار دارد و به واسطه گسترش این شهر و توسعه ساخت و سازهای شهری، بخش‌های وسیعی از آن مورد تسطیح و ساختمان‌سازی قرار گرفته است (تصاویر ۲ و ۳). این وضعیت باعث گردیده که تنها بخشی در حدود هزار متر مربع از قسمت مرکزی این تپه تسطیح نشده باقی بماند، هر چند که در این قسمت هم به دلیل کاوش‌های غیرمجاز لایه‌های باستانی تا حدودی به هم ریخته‌اند. با این وجود کاوش‌ها در این تپه باستانی، داده‌های ارزشمندی را بدست داده‌اند، از جمله شواهدی از عصر مفرغ جدید و همچنین عصر آهن و گورستانی از این دوره را، که مقاله پیش رو به معرفی و بررسی آنها می‌پردازد.

کاوش سال ۱۳۹۰

در کاوش سال ۱۳۹۰ در قلعه تپه که به سرپرستی امیرصادق نقشینه و با بودجه پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد یک ترانشه لایه‌نگاری (ترانشه A) و تعداد ۵ گمانه آزمایشی (T.T. 1-5) کاوش شد (نقشینه، ۱۳۹۰، ب). در نتیجه این کاوش‌ها آثاری از دوره اسلامی، دوره اشکانی و احتمالاً ساسانی، عصر مفرغ و همچنین شواهدی از عصر آهن بدست آمده است.

ترانشه A در قسمت محدود باقی مانده از مرکز تپه و با هدف لایه‌نگاری در بیشترین ضخامت نهشته‌های باستانی کاوش گردید. تعداد چهار ترانشه آزمایشی نیز در قسمت تسطیح شده شرق تپه کاوش شد که با توجه به اظهارات مردم محلی در خصوص کشف ظروف سفالی در حین عملیات خاکبرداری و تسطیح در این قسمت، هدف از کاوش آنها دستیابی به بقایای احتمالی عصر آهن بود. همچنین یک ترانشه آزمایشی در قسمت شمال شرقی تپه، که بیشترین سفال‌های عصر مفرغ در سطح این ناحیه وجود داشت، کاوش گردید.

ترانشه A

ترانشه A در ابعاد ۲×۲ به منظور لایه‌نگاری و شناسایی توالی لایه‌ها در جانب شرق بخش مرکزی برجای مانده از قلعه تپه، که

محرز شد (تصویر ۴ و تصویر رنگی ۱۳).

متاسفانه مدراک موجود از عصر آهن در قلعه تپه، تنها شامل قطعات سفال و چند ظرف سالم سفالی است و از بقایای احتمالی معماری و یا اشیاء دیگر اطلاعاتی در دسترس نیست. علت این امر، تخریب و به هم ریختگی شدید تپه و لایه‌های باستانی آن است. در واقع اکثر یافته‌های سفالی عصر آهن عمدتاً از ترانسه‌های کاوش شده در محدوده شرق تپه بدست آمده‌اند و این قسمت از تپه برای ساخت مدرسه در سال‌های گذشته تسطیح شده، از همین رو عمده بقایا و لایه‌های این دوره تخریب شده و از بین رفته‌اند. با این وجود هم در کاوش‌ها و هم در بررسی سطحی، سفال‌های این دوره بدست آمده‌اند و شواهد سفالی موجود گویای حضور مردمان مراحل مختلف عصر آهن در قلعه تپه است. سفال‌های این دوره در قلعه تپه را می‌توان در انواع خاکستری، قرمز و قرمز با اسلیپ کرم رنگ طبقه‌بندی کرد. علاوه بر این دو نمونه از سفال‌های دارای نقش کنده ظریف عصر آهن نیز بدست آمده‌اند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

سفال خاکستری: این نوع پرتعدادترین سفال عصر آهن در قلعه تپه است که عموماً به عصر آهن I و II تاریخگذاری می‌شوند. شاموت به کار رفته در آن شن ریز و درشت و در برخی نمونه‌ها دانه‌های سفید رنگ است و در بعضی از ظروف بزرگ از خرده‌های سفال نیز استفاده شده است. سفال‌های ظریف همگی چرخ‌سازند و تنها تعداد کمی از سفال‌های خاکستری دست‌ساز هستند. پخت آنها کافی و از نظر کیفیت اکثراً در زمره سفال‌های ظریف قرار دارند. پوشش به کار رفته بر روی آنها پوشش گلی رقیق است و اکثر سفال‌ها داغدار یا صیقلی شده‌اند. رنگ این نوع در طیفی از خاکستری تیره تا خاکستری روشن متغیر است. اکثر سفال‌های این نوع فاقد تزیین و ساده هستند (شکل ۱) و تنها برخی از آنها با نقوش ساده هندسی کنده (شکل ۲: شماره ۳) یا داغدار (شکل ۲: شماره ۲) تزیین شده‌اند. در میان اشکال این نوع سفال، کاسه با لبه عمودی و یک شیار زیر لبه (شکل ۱: شماره ۱) در دینخواه تپه (Muscarella, 1974: 57, 10) مشابهی دارد. کاسه‌های با لبه برگشته به بیرون (شکل ۱، شماره‌های ۳ و ۴) در هفتون تپه (Talai, 2007: pl. 3: m) IV

شرق آن، متمرکز بوده است. در بین این چهار ترانسه نیز بیشترین تراکم سفال‌های عصر آهن در ترانسه آزمایشی T.T. 3 دیده می‌شود که تقریباً در مرکز محدوده تسطیح شده شرق تپه قرار دارد.

ترانسه آزمایشی T.T. 2

ترانسه آزمایشی T.T. 2 در شمال شرق تپه و در کنار خیابان خلیل طهماسبی که از کنار تپه می‌گذرد و بخشی از آن را تخریب و تسطیح کرده قرار دارد. این ترانسه با هدف دستیابی به آثار عصر مفرغ کاوش گردید و همچون دیگر ترانسه‌های آزمایشی، در ابتدا ابعادی برابر ۱×۱ متر داشت، ولی به جهت کشف بقایای دست نخورده و کم نظیر متعلق به عصر مفرغ قدیم، ابعاد آن به ۳×۴ متر گسترش یافت. این بقایای دست نخورده در زیر سطح خیابان و روی خاک بکر قرار دارند و معرف قدیم‌ترین استقرار در محل هستند. یافته‌های این ترانسه عمدتاً به عصر مفرغ تعلق دارند، با این حال تعدادی سفال دوره‌های مختلف و از جمله عصر آهن در لایه‌های سطحی و به هم ریخته آن وجود داشت.

عصر آهن در قلعه تپه

در مطالعات میدانی مختلف در قلعه تپه تاکنون شواهد متعددی از عصر آهن بدست آمده است. نخستین بار میرفتاح به حضور سفال خاکستری متعلق به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق.م. در قلعه تپه اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که: "استفاده افراد تمدن سفال خاکستری از این محل مؤید تولد و دفن افراد تمدن مذکور در این محل می‌باشد" (میرفتاح، ۱۳۷۲: ۲-۱۸۱). همچنین امید معصومی در بررسی سطحی قلعه تپه به سفال‌های عصر آهن دست می‌یابد (معصومی، ۱۳۸۷: ۷-۶ و شکل‌های ۱ و ۲). در کاوش سال ۱۳۹۰ نیز سفال‌های این دوره از ترانسه‌های مختلف بدست آمدند، که البته تعداد و فراوانی آنها در ترانسه‌های واقع در شرق تپه بیشتر بود. علاوه بر این بنا بر گفته اهالی محل در زمان تسطیح قسمت‌های شرقی تپه، سفال‌هایی از زیر خاک خارج شده است که برخی از آنها را مردم جمع‌آوری نموده‌اند که پس از بررسی هیأت کاوش، تعلق آنها به عصر آهن

نمی‌شود. اشکال ظروف سفال نوع قرمز در میان دیگر مکان‌های عصر آهن III در غرب ایران مشابه‌هایی دارند. کاسه‌های با لبه کمی برگشته و شیاری در زیر لبه (شکل ۳: شماره‌های ۱ و ۲) در زندان سلیمان (8 & 2: Abb. 8: Thomalsky, 2006)، زیویه (معمدی، ۱۳۷۶: لوحه پنجاه و نه، شماره ۷۵؛ Young, 1965: fig. 3: 5) و فلاچی (Mollazadeh, 2008: Pl. 7: 17 & 18, Pl. 8: 16 & 17) نیز دیده می‌شوند. کاسه با لبه پهن (شکل ۳: شماره ۴) نیز در زندان سلیمان (Thomalsky, 2006: Abb. 5: 1 & 2)، زیویه (معمدی، ۱۳۷۶: لوحه پنجاه و نه، شماره ۷۲؛ Young, 1965: fig. 3: 19) فلاچی (Mollazadeh, 2008: Pl. 8: 11 & 12) و حسنلو III (Young, 1965: fig. 1: 3 & 5) مشابه‌هایی دارد. کاسه با لبه کمی برگشته به داخل (شکل ۳: شماره ۵) تنها در فلاچی (Mollazadeh, 2008: Pl. 7: 8 & 9) مشابه دارد. ظرف با لبه برگشته مربوط به احتمالاً یک کوزه (شکل ۳: شماره ۳) در زندان سلیمان (3 & 2: Abb. 28: Thomalsky, 2006)، زیویه (معمدی، ۱۳۷۶: لوحه پنجاه و هفت، شماره ۵۶ و ۵۹) و فلاچی (Mollazadeh, 2008: Pl. 10: 16) نیز دیده می‌شود.

همچنین سفال‌های قرمز با اسلیپ کرم-نخودی از نظر فرم بیشتر کاسه‌های با لبه عمودی و بدنه تقریباً پُرانتری هستند (شکل ۳: شماره‌های ۶، ۸، ۹)، یکی از این نمونه‌ها دسته‌ای افقی مشابه سفال‌های عصر آهن III دارد که دودزده است (شکل ۳: شماره ۹). یک نمونه از سفال‌های این گونه (شکل ۳: شماره ۷)، کوزه-ای با لبه رو به بیرون و بدنه گرد بوده که احتمالاً دسته‌ای عمودی از روی لبه تا شانه ظرف داشته، نمونه این فرم در فلاچی (6: pl. 9; 28: Pl. 8: Mollazadeh, 2008) و کول تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007: pl. 21: 5-7) مشاهده می‌شود. همچنین نمونه همسان (شماره‌های ۶، ۸، ۹) در فلاچی (8, 17, 18; pl. 7: 6, 17, 18; Mollazadeh, 2008: Pl. 7: 13, 14) و طرح شماره ۸ این گونه، در کول تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007: pl. 22: 16; pl. 24: 7) به فراوانی یافت شده است. همه سفال‌های مشابه این گونه در فلاچی و کول تاریکه به عصر آهن III گاهنگاری شده‌اند. نمونه مشابه

و دینخواه تپه (Muscarella, 1974: 73, fig.47, No. 865) نمونه‌های کاملاً مشابهی دارند. کاسه‌های با لبه تقریباً عمودی کشیده و زوایه‌ای در زیر آن (شکل ۱: شماره ۶) با نمونه‌هایی از خوروین (Vanden Berghe, 1964: pl. IX, No. 41) و هفتوان تپه IV (Talai, 2007: pl. 6: c, pl. 4: a) قابل مقایسه هستند. فنجان سالم به دست آمده از قلعه تپه (شکل ۲: شماره ۶) دارای نمونه‌های مشابه در هفتوان تپه IV (Talai, 2007: pl. 2: b)، قیطره (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰، شکل ۱۱۰: شماره ۶۰) و خوروین (Vanden Berghe, 1964: pl. XI, No. 66) است. لیوان بلند با بدنه مقعر به دست آمده از قلعه تپه (شکل ۲: شماره ۷) با نمونه‌ای از سیلک A (Ghirshman, 1939: Pl. XL, S. 472) قابل مقایسه است. همچنین سفال‌های خاکستری با نقوش داغدار متقاطع هندسی و (شکل ۲: شماره‌های ۲ و ۳) به دست آمده از قلعه تپه در بیشتر محوطه‌های عصر آهن ایران در مرکز فلات، نظیر خوروین، قیطره و سگزآباد به دست آمده است. لازم به توضیح است که نمونه مشابه این سفال‌ها و دیگر سفال‌های عصر آهن قلعه تپه، در خود استان زنجان، علاوه بر بررسی‌های انجام شده، از کاوش گورستان حسن بولاغی در منطقه گلابر (عالی، ۱۳۸۶) و گورستان جیران‌تپه جزلان‌دشت در منطقه طارم سفلی (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۵۹-۱۴۲) به دست آمده است.

سفال قرمز: سفال نوع قرمز از نظر تعداد پس از سفال خاکستری در رتبه دوم قرار دارد. این نوع نسبت به نوع خاکستری ظرافت و کیفیت بهتری دارد. شاموت به کار رفته در سفال قرمز شن ریز و ذرات براق است و در ساخت آنها عمدتاً از چرخ سفالگری استفاده شده. پخت آنها کافی و از نظر کیفیت اکثرشان در دسته سفال‌های ظریف قرار می‌گیرند. رنگ خمیره این نوع، از قرمز تا قرمز مایل به نخودی متغیر است. سفال نوع قرمز برحسب چگونگی پوشش به دو زیرگونه بدون پوشش و دارای پوشش گلی کرم-نخودی تقسیم می‌شود. تفاوت این دو زیرگونه عمدتاً در پوشش سطحی آنهاست، ولی نمونه‌های زیرگونه دوم همگی ظریف و داغدار شده هستند در حالی که نمونه‌های زیرگونه بدون پوشش همگی داغدار نیستند. در میان سفال نوع قرمز، چه فاقد پوشش و چه دارای پوشش، تزیین عمده‌ای دیده

(Boehmer, 1986).

نشانه‌هایی از عصر مفرغ جدید در قلعه تپه

در بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در قلعه تپه ابهر، آثار و مدارکی از عصر مفرغ نیز بدست آمده است. این مدارک عمدتاً به عصر مفرغ قدیم و فرهنگ موسوم به کورا ارس تعلق دارند، ولی معدودی سفال مرحله جدید یا پایانی این عصر نیز در میان یافته‌ها وجود دارد (شکل ۵) که از نوع سفال موسوم به پلی کروم هستند و در اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن در منطقه شمال مرکز فلات ایران مرسوم بوده‌اند. از مهم‌ترین مراکز استفاده از این نوع سفال باید به تپه سگزآباد در دشت قزوین اشاره کرد، که فاصله چندانی با قلعه تپه ندارد. فراوانی و تنوع این نوع سفال در تپه سگزآباد بیش از هر محل دیگری است و تا کنون موارد بسیاری از آن در کاوش‌های علمی و یا حفاری‌های غیر مجاز بدست آمده است (ملک شمیرزادی، ۱۳۵۶؛ مقدم، ۱۳۷۶؛ عزیزی خرائقی و دیگران، ۱۳۸۹؛ Egami, 1972).

سفال‌های نوع پلی کروم سگزآباد تماماً دست‌ساز هستند و در خمیره آنها از شن به عنوان شاموت استفاده شده است. ضخامت بدنه ظروف بیش از ۷ میلی‌متر است و آنها را در حرارتی ناکافی پخته‌اند. ویژگی شاخص این نوع سفال، تزیینات آن است که شامل نقوش ساده هندسی و بطور استثنایی حیوانی است که با رنگ سیاه یا قهوه‌ای تیره بر روی سطوح داخلی و خارجی ظروف که با اسلیپ کرم یا قرمز رنگ پوشش داده شده‌اند، ترسیم شده‌اند (عزیزی خرائقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۴). سفال پلی کروم سگزآباد معمولاً در میانه هزاره دوم پیش از میلاد تاریخگذاری می‌شود (Henrickson, 1986: 292).

آنچه بر اهمیت این نوع سفال می‌افزاید، تداوم استفاده از آن در آغاز عصر آهن است. شواهد و مدارک بدست آمده از سگزآباد نشان می‌دهند که میان سفال پلی کروم اواخر عصر مفرغ و سفال خاکستری آغاز عصر آهن در این محل شباهت‌های گونه‌شناختی انکارناپذیری وجود دارد و استفاده از این دو نوع سفال در کنار یکدیگر در آغاز عصر آهن ادامه داشته است (نقشینه، ۱۳۷۵: ۱۳۸-۱۳۶، تصویر ۴-۲، ۴-۳، ۴-۴؛ طلائی، ۱۳۷۶: ۲۶۲؛ Dyson, 1966: 16; Vanden Berghe,

اکثر سفال‌های قرمز به دست آمده از قلعه تپه، در محوطه‌های مربوط به عصر آهن III در غرب و شمال غرب و حتی مرکز فلات به دست آمده است.

سفال با نقش کنده ظریف: این نوع سفال در قلعه تپه بسیار کم تعداد بوده و تنها دو نمونه از آن در دست است. یکی از بررسی سطحی بدست آمده (معصومی، ۱۳۸۷: شکل ۲: شماره ۷) (در اینجا شکل ۴: شماره ۱) و دیگری در کاوش سال ۱۳۹۰ (شکل ۴: شماره ۲). با این وجود اهمیت این یافته‌های محدود در آن است که نشانگر شرقی‌ترین مرزهای گسترش این نوع هستند. این نوع سفال عموماً در مراکز عصر آهن در استان‌های کردستان و جنوب آذربایجان غربی همچون زیویه و زندان سلیمان، بدست آمده و شرقی‌ترین مکانی که این نوع سفال از آن گزارش شده، کول تپه در جنوب غربی شهر زنجان است (Swiny 1975: 91, fig. 3: 13). کشف نمونه‌هایی از این گونه در قلعه تپه نشانه گسترش این نوع سفال تا حوضه آبریز ابهرود در شرق استان زنجان و در نزدیکی شمال مرکز فلات ایران است. ویژگی اصلی و مشخصه این نوع سفال، تزیینات آن است که به شکل نقوش کنده ظریف و در طرح‌های هندسی و خصوصاً مثلث‌های کشیده و باریک است. رنگ خمیره این سفال نخودی و معمولاً چرخ‌ساز است. شاموت بکار رفته در آن شن نرم و از پخت خوب و کافی برخوردار است. سطح این نوع سفال داغدار یا صاف شده و با نقوش کنده ظریف و دقیقی تزیین شده است. دو نمونه بدست آمده از قلعه تپه، هر دو مربوط به بدنه و محل شانه ظرف هستند و معرف ظروفی دهانه بسته همچون کوزه‌اند. نقوش کنده آنها نیز در سطح خارجی ظرف ایجاد شده و مثلث‌های کشیده و باریکی را نشان می‌دهد که شانه و دور گردن ظرف را فرا گرفته‌اند. نظیر این نوع سفال با نقوش کنده مشابه را می‌توان در زندان سلیمان (دوره دوم) (Thomalsky, 2006: 275-276, Abb. 17, Abb. 19-20)، زیویه (معمودی، ۱۳۷۶: لوحه شماره پنجاه و چهار)، گورستان کول تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007: Pl. 23: 9 & 12-13) و گورستان چنگبار (نقشینه و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۱) دید. این نوع سفال معمولاً در عصر آهن III، قرن هفتم پ.م، تاریخگذاری و با دولت مانا مرتبط می‌شود

سگزآباد دیده می‌شوند (ملک شه میرزادی، ۱۳۵۶: شکل ۱۳۲، شماره ۴). خطوط شکسته نیز که معمولاً در سطح داخلی ظروف ترسیم شده‌اند، فقط در سگزآباد (ملک شه میرزادی، ۱۳۵۶: شکل ۱۳۵؛ عزیزی خرائقی و دیگران، ۱۳۸۹: شکل ۱، ردیف پنجم نمونه سمت چپ و ردیف آخر نمونه سمت چپ) دیده می‌شوند. البته تنوع نقوش این نوع سفال بیش از این است، خصوصاً در سگزآباد، ولی نمونه‌های بدست آمده از قلعه تپه کم تعداد هستند و این تنوع در آنها دیده نمی‌شود.

به این ترتیب وجود سفال‌های مشابه با سفال موسوم به پلی کروم سگزآباد در قلعه تپه، نشانه حضور مردمان اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن در این محل است، هرچند به دلیل تخریب گسترده این محل بقایای اسقراری آنها بدست نیامده است و در حال حاضر باید بنا بر مدارک موجود قلعه تپه را غربی‌ترین محل گسترش این نوع سفال دانست. در واقع فرهنگ مردمان سازنده این نوع سفال از قلی درویش در نزدیکی قم تا قلعه تپه در ابهر گسترش داشته است.

پوآیند

مدارک سفالی بدست آمده از قلعه تپه نشانگر حضور مردمان عصر مفرغ جدید و عصر آهن در این تپه بزرگ حوضه آبریز ابهر رود است. اگر چه تخریب شدید این تپه باستانی مانع از دستیابی به بقایای اسقراری این دوره‌ها شده ولی یافته‌های سفالی به تنهایی می‌توانند روابط فرهنگی منطقه را در این دوره‌ها معلوم سازند. وجود سفال‌های موسوم به پلی کروم عصر مفرغ در این محل نشانه ارتباط قلعه تپه و حوضه آبریز ابهر رود با مناطق شرقی و دشت قزوین در این دوره است. در واقع قلعه تپه نشانگر غربی‌ترین مرز فرهنگ مردمان سازنده این نوع سفال است که در دشت قزوین و خصوصاً تپه باستانی سگزآباد حضوری گسترده داشته و تا نزدیکی قم در تپه قلی درویش گسترش داشته است. از طرف دیگر وجود سفال خاکستری عصر آهن I در قلعه تپه می‌تواند نشانگر استمرار در استفاده از این محل در عصر مفرغ جدید تا عصر آهن I باشد. خصوصاً آنکه مدارک بدست آمده از سگزآباد، سیلک A و قلی درویش نشانگر ادامه استفاده از سفال پلی کروم در اوایل عصر آهن

(1973: 707; Piller, 2004: 162-165, Abb. 11 & 12). در گورستان سیلک A نیز دو ظرف سفالی مقوش قابل مقایسه با سفال پلی کروم سگزآباد از گورهای عصر آهن و در کنار سفال خاکستری این دوره بدست آمده‌اند (Ghirshman, 1939: pl. III, 3 & pl. XXXVII, s 444). همچنین در کاوش‌های اخیر در تپه قلی درویش، واقع در نزدیکی قم، مدارکی از تداوم استفاده از سفال پلی کروم عصر مفرغ در آغاز عصر آهن بدست آمده است (سرلک، ۱۳۸۹: ۲۸۰ عکس بالا و ۲۸۱ عکس بالا).

در قلعه تپه ابهر نیز تعدادی سفال مقوش بدست آمده است (شکل ۵) که بیشترین مشابهت را با سفال نوع پلی کروم سگزآباد دارند. این نوع سفال در قلعه تپه دست‌ساز و دارای شاموت شن و خمیره‌ای به رنگ قرمز روشن یا نخودی است. تزئینات آن به شکل نقوش ساده هندسی است که معمولاً بر روی پوشش گلی قرمز رنگ و در داخل و خارج ظرف با رنگ خاکستری تیره تا سیاه ترسیم شده‌اند. به این ترتیب نمی‌توان سفال‌های مقوش قلعه تپه را در زمره سفال‌های پلی کروم محسوب کرد، ولی باید توجه داشت که همگی نمونه‌های این نوع سفال پلی کروم یا چندرنگ نیستند و در سگزآباد نیز، که بیشترین نمونه‌های آن بدست آمده، آنها را به دو گونه تک رنگ و چندرنگ تقسیم کرده‌اند (عزیزی خرائقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴).

نقوش و طرح‌های قابل تشخیص در نمونه‌های کم تعداد موجود شامل خطوط زیگزاگی (شکل ۵: شماره‌های ۲ و ۵)، مثلث‌های پر شده با هاشور متقاطع (شکل ۵: شماره ۱) و خطوط شکسته (شکل ۵: شماره‌های ۲ و ۴) هستند. خطوط زیگزاگی از متداول‌ترین نقوش بکار رفته در این نوع سفال است که در سگزآباد (ملک شه میرزادی، ۱۳۵۶: شکل ۱۳۵ و ۱۳۹ شماره ۳ و ۱۳؛ عزیزی خرائقی و دیگران، ۱۳۸۹: شکل ۱، ردیف چهارم نمونه میانی)، سیلک (Ghirshman, 1939: pl. III: 3) و قلی درویش (سرلک، ۱۳۸۹: ۲۸۰ عکس بالا) نیز دیده می‌شوند. مثلث‌های پر شده با هاشور متقاطع بسیار کم تعدادند و فقط در

۱- لازم به توضیح است که همگی این نوع سفال‌های معروف به پلی کروم، در واقع دارای تزئیناتی به چند رنگ مختلف نیستند. گروهی از آنها تنها نقوشی سیاه رنگ بر زمینه نخودی دارند که نمونه بدست آمده از قلعه تپه از این زمره می‌باشد.

به این ترتیب می‌توان بر پایه یافته‌های سفالی عصر مفرغ جدید و عصر آهن در قلعه تپه، به چشم‌اندازی از ارتباطات فرهنگی مردمان ساکن در حوضه آبریز ابهر رود، که همچون دالانی طبیعی دو منطقه فرهنگی شمال غرب و شمال مرکز فلات را به یکدیگر وصل می‌کنند، با مناطق همجوار دست یافت. بر این اساس در اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن، منطقه ارتباط بیشتری با حوزه فرهنگی دشت قزوین و شمال مرکزی فلات داشته در حالیکه در مراحل جدیدتر عصر آهن این ارتباط، بیشتر با منطقه غرب بوده است. در واقع گسترش و نفوذ فرهنگ‌های همجوار در منطقه در این محدوده زمانی از روند یکسانی برخوردار نبوده است و احتمالاً حوضه آبریز ابهر رود به عنوان سهل‌ترین راه ارتباطی شمال مرکزی با غرب و شمال غرب کشور، در طول زمان به تناوب تحت نفوذ فرهنگ‌های مناطق شرقی و غربی خود قرار داشته است.

است و احتمالاً وضعیتی مشابه در قلعه تپه نیز وجود داشته. وجود چند ظرف سفالی سالم عصر آهن I و یک ظرف سالم پلی کروم، که بنابر گفته مردم محلی از تخریب گورهایی در محل بدست آمده‌اند، این احتمال را مطرح می‌سازد که در اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن از قلعه تپه برای دفن مردگان استفاده می‌شده است، خصوصاً که هیچ لایه استقراری مرتبط با این دوره نیز بدست نیامده است. از طرف دیگر بر پایه سفال‌های بدست آمده، استفاده از قلعه تپه در عصر آهن II و III نیز ادامه داشته است. برخی از سفال‌های خاکستری، بنابر مشابَهت‌های گونه‌شناختی، به مرحله دوم عصر آهن تعلق دارند و سفال‌های نوع قرمز و دارای نقش کنده ظریف نیز به مرحله سوم این عصر مربوط می‌شوند. آنچه در رابطه با سفال دارای نقش کنده ظریف در قلعه تپه اهمیت دارد، گسترش این نوع سفال در حوضه آبریز ابهر رود به عنوان شرقی‌ترین مکان حضور آن است.

منابع

الف) فارسی

- سرلک، سیامک، ۱۳۸۹، فرهنگ هفت هزار ساله شهر قم (کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قلی درویش جمکران- قم)، انتشارات نقش، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم.
- طلایی، حسن، ۱۳۷۶، پویایی فرهنگی در باستان‌شناسی ایران، در: یادنامه گردهمایی باستان‌شناس (ویرایش علمی محمود موسوی)، شوش، جلد ۱، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص ۲۶۶-۲۵۹.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۰، تهران سه هزار و دویست ساله بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی، تهران: نشر فضا.
- عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوزه آبریز ابهر رود، پیام باستان‌شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال سوم، شماره ششم، صص ۴۲-۱۷.
- عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، کاوش‌های باستان‌شناسی نجات بخشی پشت سد گل‌آبر زنجان، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- عزیزی خرنقی، محمدحسین، کمال‌الدین نیکامی و نسترن مرادی، ۱۳۸۹، عصر مفرغ جدید در تپه سگزآباد بر مبنای یافته‌های سفالی، پیام باستان‌شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هفتم، شماره چهاردهم، صص ۳۴-۲۱.
- عسکریان، مهرداد، ۱۳۸۰، گزارش گمانه‌زنی در قلعه تپه ابهر، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- قنبری، بهنام، ۱۳۹۱، گزارش کاوش نجات بخشی گورستان جیران تپه جزلان‌دشت، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- مدودسکایا، یانا، ۱۳۸۳، ایران در عصر آهن ۱، ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی.

اثر، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۱۶۸-۱۸۴.

نقشینه، امیرصادق، ۱۳۷۵، مطالعه سفال‌های خاکستری در تپه سگزآباد دشت قزوین و رابطه آن با مهاجرت اقوام آریایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

_____، ۱۳۹۰ الف، گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در تپه علی یورد، صابین قلعه- استان زنجان، پیام باستان‌شناس، مجله علمی- پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره پانزدهم، صص ۹۳-۱۱۲.

_____، ۱۳۹۰ ب، گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در قلعه تپه ابهر، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).

_____، حسن طلایی و کمال‌الدین نیکامی، ۱۳۹۰، گورستان عصر آهن چنگبار، نامه باستان‌شناسی، شماره ۱، صص ۱۲۲-۱۰۵.

Boehmer, R. M., 1986, Ritzverzierte Keramik aus dem Mannaischen (?) Bereich, *Archaologische Mitteilungen aus Iran*, Band 19, pp. 95-115.

Dyson, R. H. Jr., 1973, The Archaeological Evidence of the Second Millennium on the Persian plateau, in: *The Cambridge Ancient History* (Edited by I.E.S. Edwards; C.J.Gadd; N.G.L.Hammond & E.Sollberger), Vol. II, Part 1, Third Edition, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 686-715.

Egami, N., 1972, The Connection between Sakzabad and Kanso Painted Pottery, in: *The Memorial Volume of the Vth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, Bagherzadeh, F. (ed.), Tehran-Isfahan-Shiraz, Vol. 2, Tehran, The Ministry of Culture and Art, pp. 296-305.

Ghirshman, R., 1939, Fouilles de Sialk Prés de Kashan, Vol. II, Paris.

معتمدی، نصرت‌الله، ۱۳۷۶، زیویه، کاوش‌های سال ۱۳۷۴، معماری و شرح سفال، در: گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۱۷۰-۱۴۳.

معصومی، امید، ۱۳۸۷، شواهدی از استقرارهای اوایل دوره مس سنگ و عصر آهن در قلعه تپه ابهر، مجله پارسه گرد، نشریه انجمن دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ابهر، شماره ۷، صص ۵-۱۵.

مقدم، عباس، ۱۳۷۶، مطالعه و بررسی سفال‌های دوزنگ بدست آمده از حفاریات باستان‌شناسی تپه سگزآباد دشت قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

ملک شه میرزادی، صادق، ۱۳۵۶، گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگزآباد، مارلیک، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲، صص ۹۸-۸۱.

میرفتاح، سید علی اصغر، ۱۳۷۲، بررسی و شناسایی قلعه تپه ابهر، مجله

(ب) غیرفارسی

Henrickson, R. C., 1986, The Bronze Age in in: *Encyclopaedia Iranica*, Yarshater, E., (ed.), Vol. Northwestern, Western, and Southwestern Persia, V, Fascicle 3, pp. 288-294.

Mollazadeh, K., 2008, The Pottery from the Mannean Site of Qalaichi, Bukan (NW-IRAN), *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, pp. 107-125.

Muscarella, O.W., 1974, The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran, *Metropolitan Museum Journal*, Vol. 9, pp. 35-90.

Piller, C. K., 2004, Zur Mittelbronzezeit im nordlichen Zentraliran- Die Zentraliranische Graue Ware (Central Grey Ware) als mogliche Verbindung Zwischen Eastern und Western Grey Ware, *Archaologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, Band 35-36, pp. 143-173.

Rezvani, H., & Roustaei, K., 2007, A Preliminary Report on Two Seasons of Excavations at Kul Tarike Cemetery, Kurdistan, Iran, *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, pp. 139-184.

Swiny, S., 1975, Survey in North-West Iran, 1971, *East and West*, Vol. 25, pp. 77-98.

Talai, H., 2007, The Iron Age II (CA.1200-800 B.C.) Pottery assemblage at Haftavan IV- NW-IRAN, *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, pp. 105-123.

Thomasky, J., 2006, Die eisenzeitliche Keramik von Zendān-e Soleiman in Iranisch – Azarbāijān, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, Band 38, pp. 219-285.

Valipour, H. R., Davoudi, H., Hoseinzadeh Sadati, J., & Fazeli Nashli, H., 2012, Tepe Khaleseh: Archaeological Evaluation of a Late Neolithic Site

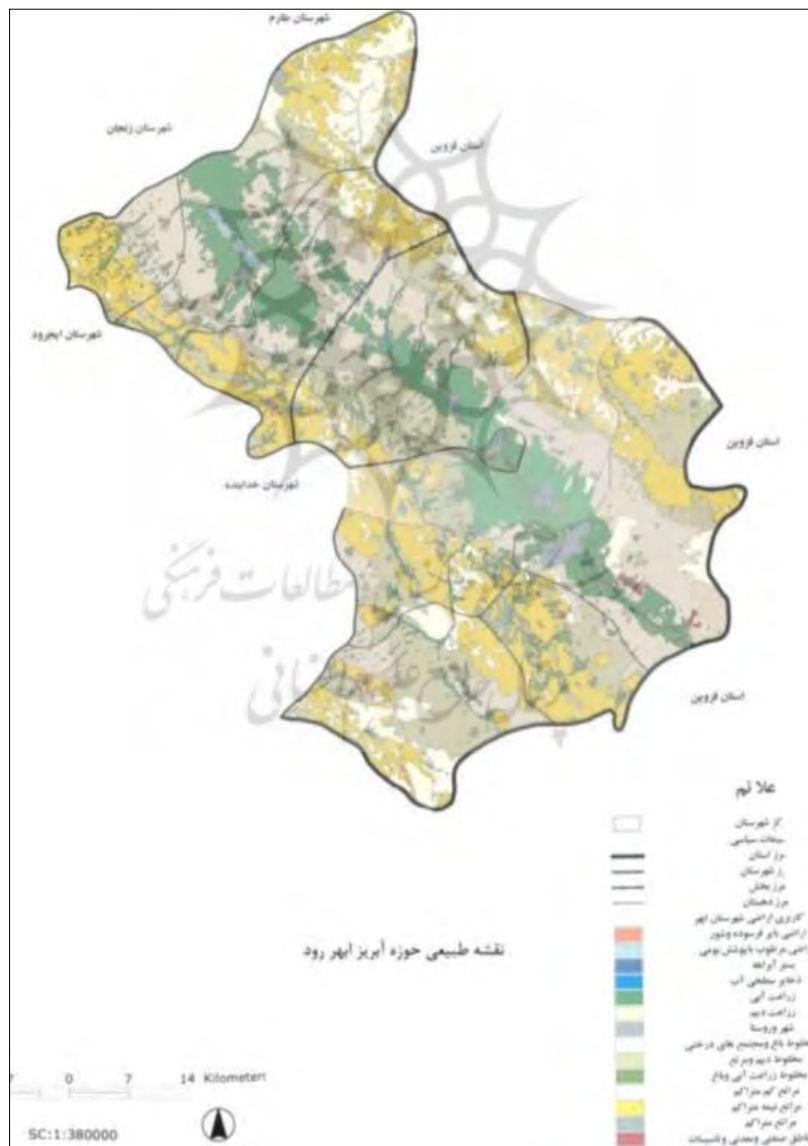
in North-Western Iran, *Antiquity* 86, Project Gallery, available at <http://www.antiquity.ac.uk/projgall/valipour331/>.

Vanden Berghe, L., 1964, *La Necropole de Khurvin*, Leiden, Publications de L Institut Historique et Archaeologique Neerlandais de Stamboul, XVII.

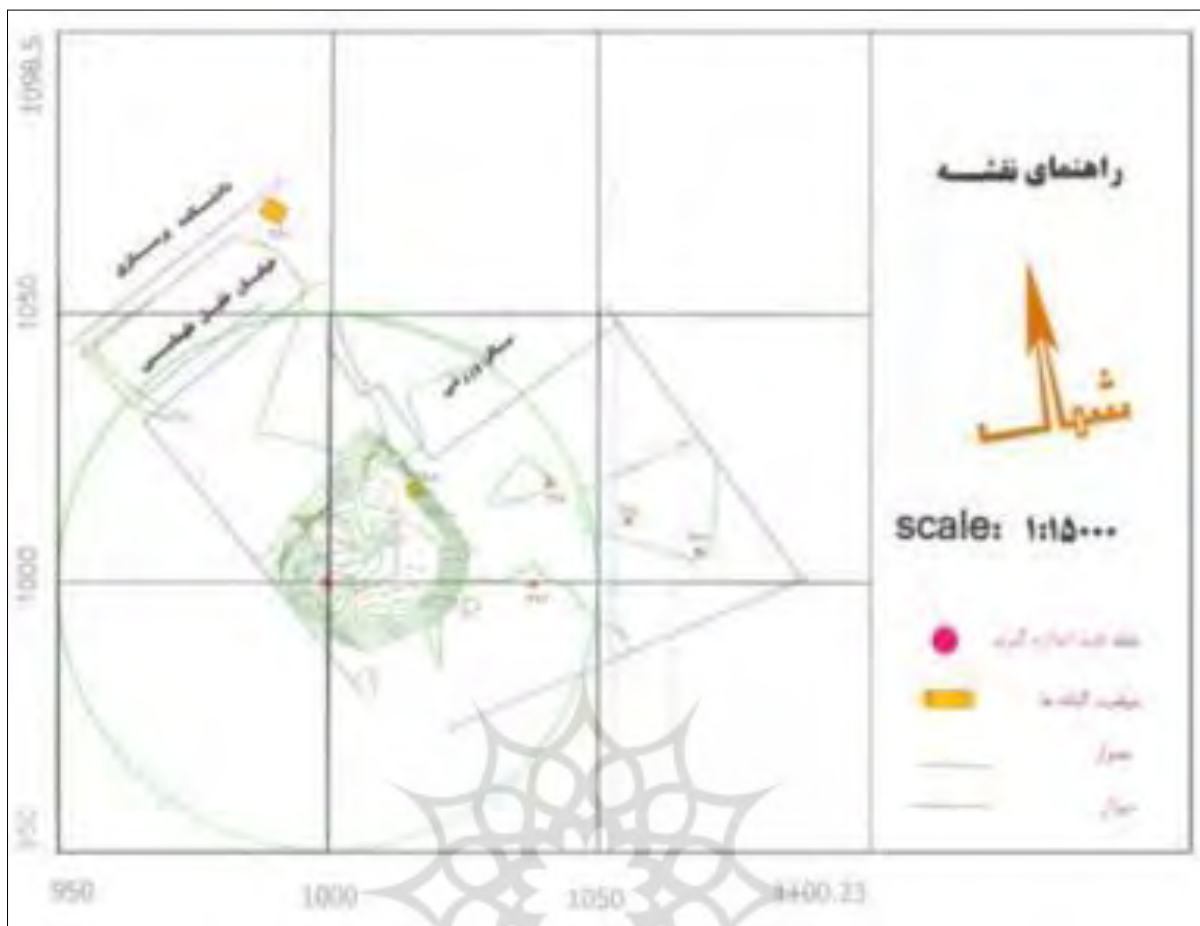
_____, 1966, *Art Iranian Ancient*, Brussels.

Young, T. C. Jr., 1965, Comparative Ceramics Chronology for Western Iran, 1500-500 B.C., *IRAN*, Vol. I, pp. 53-85.

تصاویر



تصویر ۱: حوزه آبریز ابهر رود.



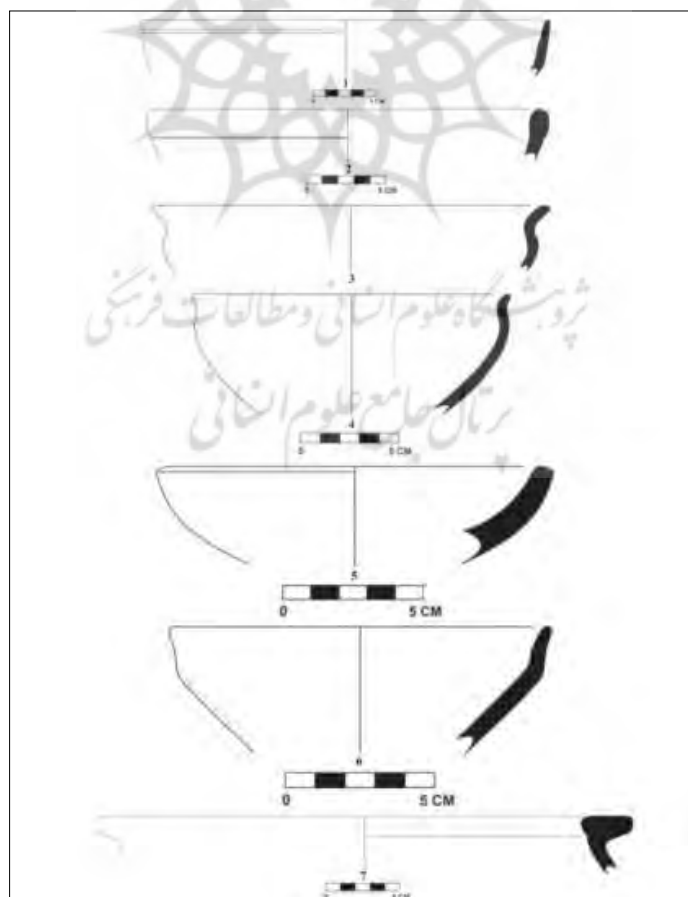
تصویر ۲: نقشه قلعه تپه ابهر.



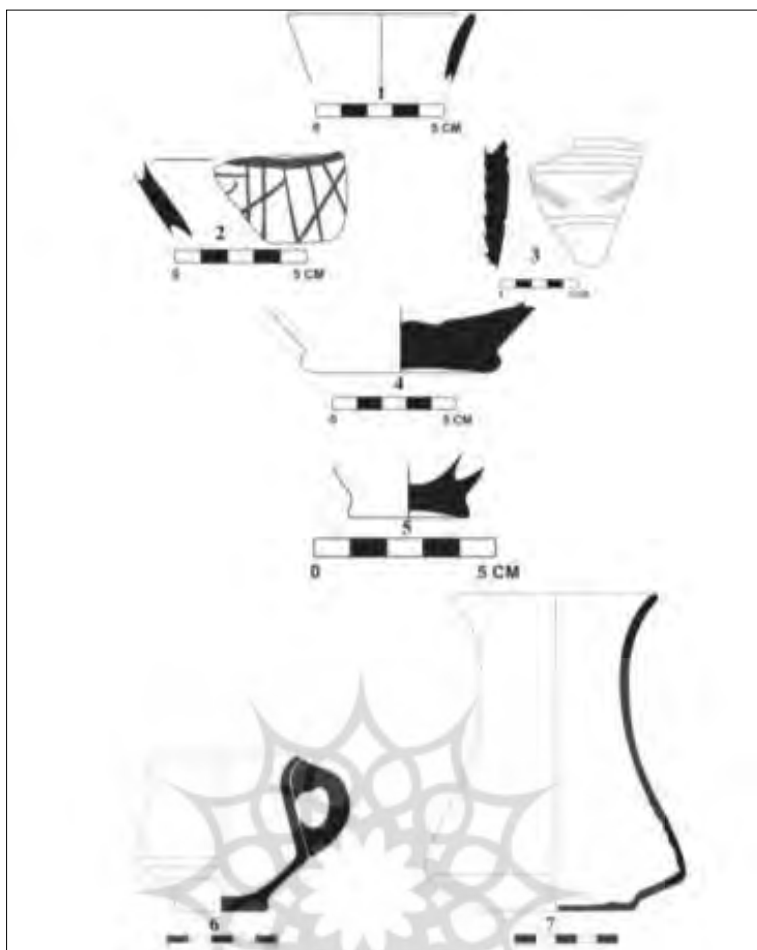
تصویر ۳: برجستگی باقی مانده از قلعه تپه ابهر.



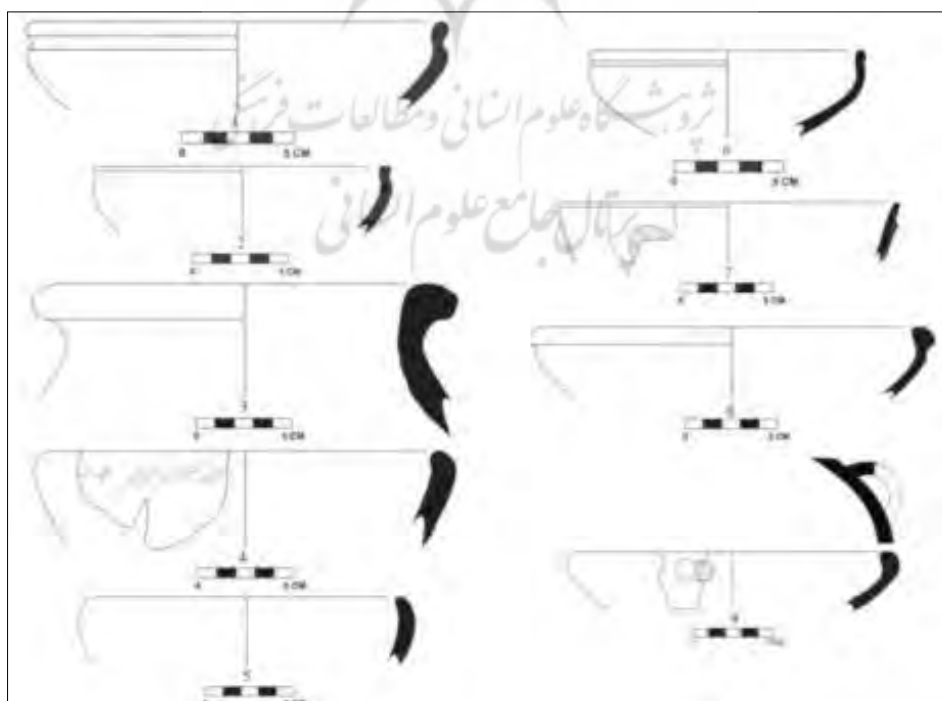
تصویر ۴: سفال‌های بدست آمده از قلعه تپه در زمان تسطیح محوطه.



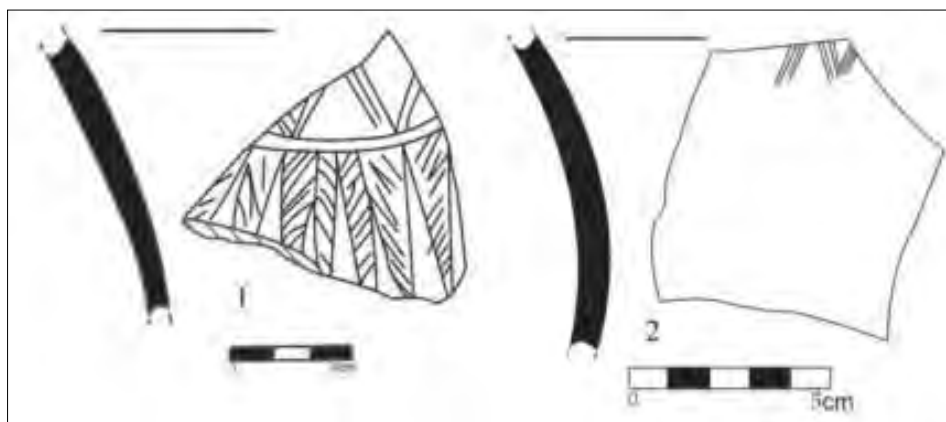
شکل ۱: سفال‌های خاکستری قلعه تپه.



شکل ۲: سفال‌های خاکستری قلعه تپه.



شکل ۳: سفال‌های قرمز قلعه تپه.



شکل ۴: سفال‌های با نقش کنده ظریف قلعه تپه (طرح ۱، معصومی، ۱۳۸۷: شکل ۲، شماره ۷).



شکل ۵: سفال‌های منقوش قلعه تپه.